

REPRESENTATION OF KOMALA ABROAD

R.K, P.O.Box 750 26 ; UPPSALA ; SWEDEN FAX : 0046 -18 468 493
www.komalah.org komala@cpiran.org

گزارشی از زندان سقز

زندان سقز که در جنوب شهر واقع شده، از نظر رسیدگی به وضع زندانیان در شرایط بسیار نامناسبی قرار دارد. این زندان دارای پنج بند میباشد، که عبارتند از بند یک و دو، بند نظامیان، بند جوانان و بند زنان. تعداد زندانیان بند یک از تمام بندها بیشتر است و معمولاً از ۹۰ تا ۱۵۰ و در برخی موارد بیشتر از این تعداد هم در نوسان است. اما مسائل و مشکلاتی که مربوط به بند یک است بیان کننده وضعیت واقعی بقیه بندهای دیگر هم میباشد.

بند زنان از بعضی جهات با بند مردان متفاوت است. اما به لحاظ وضع بهداشت و درمان و رفتار با زندانیان و مسائلی از این قبیل، شرایط مشابهی دارند. برابر قوانین زندان که معمولاً برای زندانیان توضیح داده نمی شود، هر زندانی حق دارد در ماه یک بار به ملاقات حضوری برود. ملاقات با زندانیان تابع مقررات خاصی است و مطابق آن باید از دادگاه مجوز ملاقات گرفته شود. این دستور شامل زندانیانی است که از طرف دادگاه انقلاب حکم گرفته اند.

زندانیان سیاسی و متهمین مواد مخدر را از بدو ورود در زندان تک سلولی نگاه می دارند و گاهاً نگهداری این افراد شش ماه و حتی بیشتر هم بطول میانجامد.

در این زندان پنج تک سلولی و چندین سلول تو در توی دیگر در زیر زمینی آن وجود دارد که در اختیار اطلاعات است. زندانیان این سلولها در وضعیت بسیار دشوار و غیر انسانی قرار دارند و هیچ قانون و موازین بین المللی شامل حال آنها نمی شود. هر زندانی در این تک سلولی ها حق دارد تنها یک کاسه ملامین و یک قاشق روی شکسته داشته باشد. هر زندانی اگر تا شش ماه هم در تک سلولی بماند حق حمام کردن ندارد و هیچ وسایل بهداشتی از جمله صابون و پودر لباسشویی و شامپو در اختیارش نمی گذارند. زندانی در سلول نمی تواند مواد شوینده داشته باشد. هر وقت غذا میخورد باید با همان آب سرد کاسه خود را بشوید و البته تمیز نمی شود و باز در همان کاسه برایش غذا میریزند.

طول و عرض سلول دو متر در دو متر است. یک سکوی کوچک که یک متر از کف زمین بلندتر است و نیم متر پهنا دارد برای غذا خوردن زندانی درست شده است. درکف سلول که جای خوابیدن هم میباشد یک دستشویی تعبیه شده است و از محل خواب مجزا نیست.

زندان تا زمانی که در زندان تک سلولی است اجازه مراجعه به دکتر ندارد. اگر دچار مرض حادی شود، دکتر بهداری او را میبیند و بدون معاینه و تشخیص مرض چند عدد قرص تحویل او

کف کریدور سلول که عرض آن در حدود ۶۰ سانتیمتر و طول آن ۳ متر میباشد دائماً از ریزه نان خشک و اشغال و ته مانده غذاها پوشیده است. بطوریکه بوی تعفن میدهد و وضع بسیار بدی دارد. تا زمانی که زندانی داد و فریاد سر ندهد کسی از او نمی پرسد. هر وقت هم به سراغ او می آیند او را به باد فحش و ناسزا و حتی کتک کاری میگیرند .

وضعیت بندهای عمومی تا حدودی از سلول بهتر است . اما علیرغم این تفاوت ناچیز، در بند هم که تعداد زیادی با هم هستند، زندانیان قبل از ورود مورد هیچگونه آزمایش پزشکی قرار نمیگیرند. هر کسی را با هر بیماری که داشته باشد بدون در نظر گرفتن آن به بند عمومی میفرستند. زندانیانی هستند که مبتلا به بیماری پوستی و دیگر بیماریهای مسری میباشند ولی مسئولین زندان به آن توجه نمی کنند. قارج و گال، شایعترین بیماری داخل زندان هستند. امراض دیگری از جمله سل و ایدز در داخل زندان شایع هستند و از جانب مسئولین هیچ توجهی به آنها نمی شود. این وضع باعث شده که اکثر زندانیان به بیماریهای عفونی دچار شوند . وضع بهداری زندان به شکلی است که زندانی حتماً باید مریضیش آنقدر مزمن و حاد باشد که خطر مرگ او را تهدید کند تا به او رسیدگی کنند. زندانیان مبتلا به بیماریهای قارچی و بیماریهای خاص را طبیعتاً باید از زندانیان دیگر جدا کرد و آنها را در اتاقهای خاصی نگهداری نمود تا وضع آنان بهبود یابد، اما زندان و بهداری این کار را نمی کنند . واقعیت این است که در زندان بطور کلی از بهداشت خبری نیست.

هر کدام از بندها که از آنها یاد شد، هفت اتاق دارند که دو اتاق آن بزرگ است، بطوریکه ۷ تخت سه طبقه را در آن جای داده اند. در بقیه اتاقها پنج تخت سه طبقه قرار داده اند. بعد از زیاد شدن تعداد زندانیان، امکانات تخت و جا زیاد نمی شود بلکه زندانیان باید با تحمل مشکلات و سختیهای بیشتر بسوزند و بسازند و مهمان تازه را جا دهند. نبود بهداشت و نظافت به امری عادی در زندان تبدیل شده است. این کمبود باعث شده که در فصل سرما، شپش که مریضی تیفوید به همراه دارد در کف اتاقها به خوبی دیده شود.

آنچه گفته شد تنها گوشه ای از هزار و یک مشکل زندانی در سیاه چالهای نظام اسلامی در فصل زمستان است. اما در تابستان مشکلات دو چندان می شود. در هراتاق یک سطل زیاله و در هر دستشویی دو عدد گذاشته اند . اما چون بهداشتی نیستند و بدون کیسه نایلونی است به مکان جانوران مختلف از مگس و غیره تبدیل میشوند .

کلاً کمترین کنترل و توجهی از طرف بهداری زندان صورت نمی گیرد . کمتر مشاهده شده که زندانی را برای مداوا به خارج از زندان منتقل کنند . هر مشکل و مرضی که برای زندانی پیش

می آید به همین بهداری که در واقع هیچگونه امکانات و لوازم پزشکی ندارد رجوع داده میشود . هر کس که به بهداری برود قبلاً باید نام نویسی کند و به تأیید بهداری برسد. بعد از مراجعه به بهداری بدون اینکه او را بطور سطحی هم معاینه کنند برایش دارو تجویز میشود . داروهای عوضی کلی مشکلات و عوارض دیگر برای زندانی بیچاره به همراه داشته است .

مشکلات مربوط به غذای زندانیان هم بسیار زیاد است. با وجود اینکه سهمیه هر فرد مشخص شده است اما بطورکلی سهمیه کامل داده نمی شود بلکه یک سوم آن را می دهند. بارها مشاهده شده که در غذا حشرات و موجودات دیگر پخته شده و با غذا برای زندانی می آورند و یا غذای بدبو به زندانی میدهند و قابل خوردن نیست که توسط زندانیان پس فرستاده میشود. هر زندانی به ظاهر در ماه سهمیه قند، شکر ، صابون ، تایید ، خمیر و مسواک دارد که فقط تایید و صابون را میدهند و آنهم بسیار کم است و بیشتر آن را حیف و میل میکنند . زندانی در سال حق گرفتن دمپایی ، لباس زیر ، حوله و غیره را دارد اما به آنان داده نمی شود.

رئیس زندان شخصی به اسم (فتحی) است که کمتر به زندان سرمی زند و به مشکلات زندانیان اصلاً توجهی نمی کند.

زندان دارای یک حفاظت است که فعالتتر از همه بخش های دیگر عمل میکند . هر اتفاقی که در زندان بیفتد بخش حفاظت بلافاصله حاضر است . هر زندانی که اعتراض داشته باشد و بخصوص اگر اعتراض او جنبه سیاسی داشته باشد، مأموران حفاظت بلافاصله حاضر میشوند. در هر اطاق چند نفر مخبر و خبر چین وجود دارند که زندانیان آنها را نیز حفاظتی می نامند و کار آنها جاسوسی است. زندانیان حق اعتراض جمعی و عمومی ندارند. اگر کسی هم به چیزی اعتراض کند زود او را به خارج از زندان منتقل میکنند و آنقدر او را شکنجه میکنند که از هوش میرود. در تابستان آب بسیار کم است و باید آب ذخیره کرد . دستشویی و حمام هیچوقت آب کافی ندارد.

کتابخانه زندان فاقد کتابهای آموزشی و علمی و غیره است . تنها کتاب مذهبی آیت الله ها در آن وجود دارد که البته کسی علاقه ای به خواندن آنها ندارد . آوردن کتاب و روزنامه از بیرون زندان برای زندانی ممنوع است . تنها روزنامه ای که خود زندان دو روز یک بار برای سه اطاق از هفت زندان می آورد روزنامه همشری است . دو سوم کسانی که در زندان بسر میبرند به نحوی با مواد مخدر سر و کار دارند و به آن آلوده هستند . کانال رساندن مواد مخدر به زندان مأموران و مسئولان رژیم هستند.

یکی از زندانیان بخش عمومی فردی به اسم (اقبال شریف زاده) است . نامبرده قاتل یکی از فعالین سیاسی و پیشمرگ سابق کومه له به نام (پیمان صداقت) معروف به (کاوه) است که سال گذشته او همراه چند نفر دیگر با ضربات چاقو (پیمان) را به قتل رساند. نامبرده متهم ردیف اول

است و حدود پنج ماه است در زندان به سر میبرد . این قاتل با بخش حفاظت زندان و شخص رئیس دادگاه انقلاب که فردی جنایتکار و قاتل به اسم (گودینی) است در ارتباط میباشد . رئیس دادگاه انقلاب کینه عمیقی با افراد سیاسی و مبارز بویژه آنان که با گروههای سیاسی همکاری داشته اند دارد. رئیس دادگاه انقلاب به خاطر اینکه (اقبال شریف زاده) فرد سیاسی را به قتل رسانده با او رابطه دوستی برقرار کرده و او را مورد حمایت مالی و قضایی قرار میدهد و به نامبرده قول داده که او را آزاد کند. در ضمن دیه و پول قابل پرداخت را برای قاتل تهیه نمود تا در صورت موافقت خانواده مقتول به آنها پرداخت نماید و سعی دارد با فریب و تهدید نظر خانواده (پیمان) را جهت آزادی مقتول جلب نماید. فرد نامبرده کل مسائل زندان را به اشکال گوناگون در اختیار بخش حفاظت و دادگاه انقلاب و دیگر مسئولین زندان قرار میدهد و آنچه مسلم دو آتشه شده که نمازش قضا نمی رود.

بند زنان دارای یک اطاق با بیست تخت است که گاهی جمعیت آنها تا چهل نفر هم می رسد. تعداد زندانیان زن کمتر از مردان هستند. زندانیان زن در داخل بند از خواندن کتاب و مجله محروم هستند. زنان زندانی اجازه تماس تلفونی از زندان با خانواده خود را ندارند و به راحتی هم نمیتوانند با خانواده های خود ملاقات کنند . زندانیان زن اجازه ندارند با لباس راحت استراحت کنند. وضعیت بهداشت و درمان بخش زنان به قدری فاجعه آمیز است که بیان آن شرم آور است. با اینکه زنان بیشتر از مردان در معرض بیماریهای گوناگون هستند و بیماریهای زنانه دارند اما مسئولین زندان به آنها توجه نمی کنند و به ندرت و تنها در مواقع اضطراری آنان را به دکتر میبرند. زنان نه در زندان و نه در بیرون از زندان توسط جمهوری اسلامی به عنوان انسان محسوب نمی شوند و حق و حقوق انسانی آنها رعایت نمی شود. زنان زندانی هیچگونه وسایل تفریحی و سرگرم کننده ندارند. زمین والیبال که معمولاً در هواخوری هر بند هست در بخش زنان وجود ندارد. زنان زندانی هیچ مکانی برای سرگرمی ندارند و در شرایط روحی و جسمی غیر قابل وصفی زندگی میکنند .

زندان سقز تنها یکی از هزاران شکنجه گاههایی است که جمهوری اسلامی برای مخالفین خود ایجاد کرده است.

دور نیست روزی که به همت اعتراض و مبارزه توده ای ، زندانها بر سر صاحبان و محافظین آنها ویران گردد و زندانیان سیاسی این عزیزان سر بلند و قهرمانان راه آزادی در آغوش گرم انقلاب آثار شکنجه و زخمهای عمیق بر پیکرشان التیام یابد .